

اساتید برجسته دارالفنون (مطالعه موردی میرزا عبدالغفار نجم الدوله، دکتر محمدحسین لقمان ادهم، میرزا کاظم محلاتی)

هادی باقری

دانشجوی رشته آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

این پژوهش بر اساس کتابخانه‌ای صورت گرفته و در آن به معرفی سه تن از اساتید ایرانی برجسته ازلحاظ علمی مدرسه دارالفنون و خدماتی که آن‌ها به جامعه ارائه داده‌اند پرداخته شده. ابتدا به معرفی میرزا عبدالغفار نجم الدوله و آثار و خدمات ایشان پرداخته شده که یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان ایرانی زمان خود بودند و استخراج تقویم هجری شمسی و اولین سرشماری رسمی ایران از فعالیت‌های برجسته ایشان بوده است. سپس به معرفی دکتر محمدحسین لقمان ادهم از طبیبان ماهر دوره قاجار می‌پردازیم که تلاش‌های فراوانی برای آبله کوبی در زمان خود انجام دادند و اساس دانشکده پزشکی را پی‌ریزی کردند و در آخر به معرفی میرزا کاظم محلاتی ملقب به شیمی و آثار ایشان می‌پردازیم که از پیشگامان علم شیمی در ایران بودند و به‌قدری در این رشته ماهر شدند که همکارانش او را لاوازیه ایران نامیدند.

کلید واژه‌ها: دارالفنون، اساتید، برجسته، سرشماری، شیمی، پزشکی.

مقدمه

پیش از تاسیس دانشگاه تهران دارالفنون اولین گام اساسی ایرانیان برای ورود به علوم جدید شمرده می شد این گام که توسط امیر کبیر برداشته شد باعث ورود جمعی از نخبگان به جامعه ایران شد که علاوه بر داشتن سهم در تحولات اجتماعی از لحاظ علمی نیز ایران را در جایگاهی بالا تر از کشورهای منطقه قرار داد.

دارالفنون در روز یکشنبه ششم دی ماه ۱۲۳۰ برابر با پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ قمری، سیزده روز پیش از قتل امیرکبیر و با حضور ناصرالدین شاه، آقاخان نوری صدراعظم جدید و گروهی از دانشمندان و معلمین ایرانی و اروپایی با ۳۰ نفر شاگرد رسماً گشایش یافت. این پژوهش بر اساس کتابخانه‌ای صورت گرفته و از کتب و دیگر پژوهش‌ها مطالبی آورده شده است. در ادامه این پژوهش به معرفی سه نفر از اساتید ایرانی برجسته دارالفنون از لحاظ علمی می‌پردازیم و خدماتی که آنها به جامعه آن زمان ارائه دادند را مختصراً بررسی میکنیم.

میرزا عبدالغفار نجم الدوله



میرزا عبدالغفار نجم الدوله در سال ۱۲۵۵ هـ ق. در اصفهان در خاندانی که به دانشوری شهره بود زاده شد. عبدالغفار که از نعمت وجود پدری بسیار فاضل و ریاضیدان برخوردار بود، علوم مرسوم زمان به ویژه کل ریاضیات و هیئت (نجوم سنتی) قدیم - را نزد پدر آموخت و آنگاه به همراه پدر به تهران آمد و در آنجا رحل اقامت افکند (فروغی ص ۳۷۸). در آن ایام چند سالی پیش از افتتاح مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸ هـ ق.) نگذشته بود. عبدالغفار به زودی در زمره شاگردان این مدرسه درآمد و با علوم جدید به خصوص ریاضیات نوین - آشنا شد و بر اثر تماس روزمره با مدرسان فرنگی، دارالفنون با زبانهای خارجی به ویژه زبان فرانسه - آشنایی کافی یافت. عبدالغفار به مدد هوش وافر و به اتکای همت والا و تلاشهای خستگی ناپذیرش توانست در حداقل زمان مراتب دانش آموزی را با موفقیت کامل پشت سر گذارد تا آنجا که بنا به نوشته خودش هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که به تدریس ریاضیات مشغول شد و دیری نپایید که سمت معلم کل علوم ریاضی دارالفنون بدو محول گردید (میراث علمی اسلام و ایران، سال چهارم، شماره دوم پاییز و زمستان ۹۴).

معرفی آثار و خدمات علمی

آثار عبدالغفارخان اعم از تصنیف، تألیف ترجمه و تصحیح طیف بسیار گسترده ای از علوم و معارف گوناگون از حساب و هندسه و جبر و مثلثات گرفته تا هیئت و جغرافیا و نقشه برداری و نقشه کشی صنعتی و علم زراعت و نیز فلسفه و حکمت و ادبیات را در بر می گیرد و شمار آنها به حدود پنجاه کتاب و رساله علمی بالغ می شود، افزون بر این وی در زمینه های دیگر از جمله استخراج تقویم رسمی کشور، تطبیق سالهای قمری و میلادی انجام بعضی پژوهشهای اجتماعی، اجرای برخی خدمات عمرانی نظیر سدسازی، طراحی و اجرای نخستین سرشماری جمعیت، تهران ترسیم نقشه دقیق و جامعی از این شهر و بعضی شهرهای دیگر و بسیاری موارد دیگر پیشگام بوده است. از این رو جای شگفتی نیست که برخی از تذکره نویسان عهد ناصری از وی به عنوان ذوالفنون و نیز نیوتن عصر و ارشمیدس عهد یاد کرده اند (سادات موسوی، سید امیر).

طراحی و اجرای نخستین سرشماری جمعیت

در سال ۱۲۸۴ هـ. ق. ناصرالدین شاه قاجار اجرای اولین سرشماری نفوس شهر تهران را برعهده عبدالغفارخان گذاشت و نامبرده به رغم فقدان هر گونه امکانات و نبود تجربه این کار عظیم و بی سابقه را طی مدتی کمتر از دو ماه با چنان دقت و مراقبت و احساس مسئولیتی به انجام رسانید که به راستی برای سازمانهای عریض و طویل آمارگیری امروز با آن همه نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده و بودجه کلان و وسایل و امکانات بی حد و حصر مایه عبرت است. شایان توجه است که نیروی انسانی اجرایی او در این طرح وسیع فقط از هشت نفر! شاگردان نخبه اش در دارالفنون تشکیل شده بود. چندی بعد عبد الغفار خان نتایج تفصیلی این آمارگیری را به صورت رساله ای با عنوان تشخیص نفوس دارالخلافه به اعتضادالسلطنه تقدیم کرد. این رساله از سه قسمت نسبتاً مشخص تشکیل شده است مقدمه و توضیحات مربوط به روش آمارگیری خلاصه تعداد نفوس (=یافته های آمارگیری) و بالأخره مؤخره یا ضمیمه (همان، ص ۱۰۴-۱۰۵).

دکتر محمدحسین لقمان ادهم



محمد حسین خان ادهم در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی در تبریز متولد شد. ایشان نبیره پیراحمد کنی طبیب محمد شاه و نواده میرزا احمد کنی فخرالاطبا طبیب ناصرالدین شاه و فرزند میرزا زین العابدین خان بود که تحصیلات خود را در دانشکده پزشکی پاریس انجام داده بود. ایشان با بودجه شخصی مدرسه لقمانیه را با سبک و سیاق اروپایی تاسیس کرد. دولت های روسیه و فرانسه دیپلم این مدرسه را معادل با دیپلم کامل متوسطه میشناختند. دکتر لقمان ادهم تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در مدرسه لقمانیه در تبریز انجام داد و چندی معلم جغرافیا و ناظم آن مدرسه بود سپس نزد اساتید فن و پدر خود طب ایرانی را فرا گرفت و پس از آن به فرانسه رفت و در دانشکده پزشکی پاریس تحصیل کرد. ۱۰ سال بعد پس از اتمام تحصیلات به ایران بازگشت و به سمت طبیب مخصوص احمد شاه با لقب لقمان الدوله منصوب شد و به عضویت مجلس حفظ الصحه انتخاب شد و تلاش فراوانی در عملی ساختن آبله کوبی انجام داد.

در سال ۱۳۳۵ هجری قمری به ریاست کلاس طب مدرسه دارالفنون درآمد و اساس دانشکده پزشکی را پیروزی کرد و کلاس طب را از دارالفنون مجزا و تبدیل به مدرسه طب کرد این مدرسه در آن زمان شامل ۴ کلاس بود و او همزمان با ریاست مدرسه تدریس بیماری های عمومی و تشخیص بیماری ها را به عهده گرفت و ۶۰۰ جلد کتب شخصی خود را به مدرسه اهدا کرد.

لقمان الدوله در سال ۱۳۳۸ قمری همراه دکتر حکیم الدوله و علی پرتو اعظم جزو ملتزمین رکاب احمد شاه قاجار به اروپا مسافرت و در بازدید از انستیتو پاستور شاه را به تاسیس چنین مؤسسه ای در ایران تشویق نمود و به این منظور دکتر ژوزف منارد فرانسوی را استخدام و به ایران آورد لقمان الدوله در تصویب قانون طبابت تلاش های فراوانی کرد. او در سال ۱۳۱۲ شمسی به سمت پزشک مخصوص رضا شاه منصوب شد. در سال ۱۳۱۷ به علت ضعف مزاج از ریاست دانشکده پزشکی و خدمات رسمی کناره گیری کرد. در ۲۴ شهریور ۱۳۲۸ به پاس خدمات ۵۰ ساله وی از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد دانشگاه تهران و فرهنگستان ایران جشنی در تالار فرهنگ برگزار شد و از طرف محمدرضا شاه پهلوی یک قطعه نشان همایون و از طرف وزارت فرهنگ نشان دانش درجه ۱ به ایشان اعطا گردید اشان دارای نشان های دیگری چون لژیون دونور از فرانسه عقاب سرخ از آلمان و نشان های دیگر از دولت های بلژیک ایتالیا ترکیه و اسپانیا می باشند. ایشان در اول آبان ماه ۱۳۲۹ مصادف با

روز عاشورای ۱۳۷۰ قمری چشم از دنیا فرو بستند. (تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد) ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۶).

میرزا کاظم محلاتی

مرحوم میرزا کاظم خان محلاتی دانش آموخته‌ی نخستین دوره‌ی مدرسه‌ی دارالفنون و از جمله اولین دانشجویان اعزامی به اروپا است که پس از بازگشت به ایران با نزدیک به چهار دهه تلاش پیگیر در راه تحقیق و تدریس دانش شیمی، نقش منحصر به فردی در توسعه‌ی این دانش و صنایع وابسته به آن در کشور ایفا کرده است. میرزا کاظم خان محلاتی در سال ۱۲۱۳ هجری شمسی در محلات به دنیا آمد.

پدرش میرزا احمد محلاتی از نواده‌های خواجه نصیرالدین طوسی و مادرش زنی عارفه متخلص به "انور" بود. میرزا کاظم در سن پنج سالگی به همراه پدر به عتبات عالیه رفت و مدت هشت سال به آموختن مقدمات دروس حوزوی پرداخت تا این که در سال ۱۲۳۱ شمسی در مدرسه دارالفنون، به همراه سی نفر دیگر از شاگردان دوره نخستین این مدرسه، به تحصیل در رشته علوم طبیعی و داروسازی همت گمارد. در آن زمان علوم تجربی به صورت تخصصی دنبال نمی‌شد و در رشته علوم طبیعی معمولاً فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و زمین‌شناسی به صورت توأمان تدریس می‌شد. وی در زمان تحصیل در دارالفنون زبان فرانسه را نیز به خوبی آموخت و به دلیل موفقیت‌های برجسته تحصیلی در هنگام فارغ‌التحصیلی به دریافت نشان نقره نایل شد. میرزا کاظم در سال ۱۲۳۸ در قالب سومین گروه دانشجویان اعزامی ایران به اروپا رهسپار فرانسه شد و تحصیلات علوم طبیعی خود را در دانشگاه "روآن" (ROUAN) پاریس پی گرفت. (محبوبی اردکانی، ۱۳۶۸، ج ۱، صص ۲۹۹-۳۰۳) میرزا کاظم خان محلاتی در فرانسه فرصت یافت تا ذوق و استعداد خود را بیشتر بروز دهد. در این میان او به شیمی بیشتر از سایر علوم طبیعی علاقمند شد، به طوری که بر اساس کتابی که در سال ۱۸۶۶ با عنوان "فرانسه و ایران" از سوی "ژول تیوری" سرپرست فرانسوی دانشجویان اعزامی منتشر شده، وی در نامه‌ای خطاب به حسنعلی خان امیر نظام، وزیر مختار وقت ایران در فرانسه، از میرزا کاظم خان محلاتی به عنوان دانشجویی شایسته و ممتاز یاد کرده و از پیشرفت سریع او در تحصیل و همکاری موثرش با "کوزکو" - پرفسور شیمی - قدردانی کرده است. (نویایی و ملک زاده ۱۳۸۲ش_ص ۲۵) میرزا کاظم پس از پایان تحصیلات علوم در فرانسه به ایران بازگشت و به عنوان معلم در مدرسه‌ی دارالفنون به فعالیت پرداخت. روزنامه دولت علیه ایران در شماره مورخه بیست و دوم ربیع الاول سال ۱۲۷۹، آورده است: "میرزا کاظم محلاتی که در علوم فیزیک و شیمی کمال مهارت را علما و عملا پیدا کرده از فرانسه مراجعه نموده و در مدرسه‌ی دارالفنون به تعلیم شاگردان اشتغال دارد به علاوه، زبان فرانسه و طریقه ترجمه را به آن‌ها می‌آموزد، بعداً برای پیدا کردن خاک بوته و معادن به گردش کوه‌ها خواهد رفت." در جلد دوم کتاب "مرآت البلدان ناصری" نیز آمده است: "میرزا کاظم محلاتی که در علم طبیعی و شیمی و غیره خلاصه‌ی اعصار و یگانه‌ی ادوار است و با جدی موفور در فرهنگستان به تکمیل معلومات مجرب خود پرداخته و به رتبه‌ی عالی رسیده، معلم فیزیک و شیمی دارالفنون است." پیشرفت میرزا کاظم خان در شیمی آن چنان چشمگیر بود که همکارانش او را "لاوازیه‌ی ایران" نامیدند. (یغمایی، ۱۳۵۷ش، ص ۱۳۹) در ایران نیز به "شیمی" معروف شد. میرزا کاظم علاوه بر فعالیت‌های آموزشی در زمینه‌ی تحقیق، تالیف و ترجمه آثار علمی نیز فعالیت داشت که در این راستا مقالات پژوهشی و کتاب‌های مختلفی در زمینه‌های شیمی معدنی، شیمی آلی، عکاسی، داروسازی، فیزیولوژی، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و سایر رشته‌ها از وی به یادگار مانده است. میرزا کاظم خان محلاتی همچنین از سوی ناصرالدین شاه مامور تجزیه و سنجش ارزش سنگ‌های معدنی استخراج شده از نقاط مختلف بود. تاسیس یک آزمایشگاه مجهز و راه اندازی یک دستگاه اسید سولفوریک سازی و یک کارخانه کوچک قندریزی در دارالفنون از جمله دیگر خدمات علمی و صنعتی مرحوم میرزا کاظم خان بود که نشان از تلاش و دور اندیشی او در کاربردی و بومی کردن دانش شیمی و صنایع وابسته آن در ایران است. مرحوم شیمی به پاداش ترجمه کتاب‌های فرانسوی و اقداماتی که در زمینه‌ی شیمی به ویژه تجزیه سنگ‌های معدنی مورد نظر ناصرالدین شاه انجام داده بود،

به "معتد السطان" ملقب شده بود. البته این دانشمند ایرانی در کشورهای اروپایی نیز به فراوانی دانش معروف بود و مجامع علمی و روسای کشورهای دوست به دفعات از مقام علمی او تقدیر کرده بودند. دریافت نشان "استانیسلاس"، اهدایی امپراتور روسیه (۱۲۸۳)، عضویت افتخاری دفتر فرهنگ و هنر فرانسه (۱۲۹۴) و فرهنگستان علوم آن کشور (۱۳۱۲) بخشی از افتخارات علمی بین‌المللی مرحوم میرزا کاظم خان محلاتی می‌باشد. (شیمی، ۱۳۶۵، ص، ۱۳) این دانشمند بزرگ علاوه بر تلاش‌ها و جایگاه رفیع علمی در زمینه‌ی ادبیات فارسی و سرودن شعر نیز بسیار چیره دست بود. میرزا کاظم خان محلاتی سرانجام در سال ۱۲۷۶ شمسی (شوال ۱۳۱۱ قمری) در تهران در گذشت و در این بابویه به خاک سپرده شد.

نتیجه گیری

در دوره قاجار نیز مانند دوره های دیگر تاریخ سرزمین مان دانشمندان و اندیشمندانی بوده اند که خدمات شایانی برای جامعه خود انجام داده‌اند و همچنین مدرسه دارالفنون با داشتن چنین اساتیدی توانسته شاگردان خوب و قوی از لحاظ علمی برای تربیت کند اما نام بیشتر آن‌ها شناخته شده و معروف نیست.

فهرست منابع

۱. فروغی، ابوالحسن (۱۳۵۳)، «ترجمه حال غفران مآب مرحوم حاجی نجم الدوله»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۲۰.
۲. میراث علمی اسلام و ایران، سال چهارم، شماره دوم پاییز و زمستان ۹۴.
۳. سادات موسوی، سیدامیر (۱۳۹۴) ۲/۱، تصحیح و شرح باب پنجم و ششم کتاب در خصوص سیارات و دنباله دارها و جایگاه این کتاب در نجوم قرن ۱۳»، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران.
۴. تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه به روایت اسناد) ج ۲، ص ۴۲۴_۴۲۶).
۵. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ۱۳۶۸ش، ج ۱، صص ۲۹۹_۳۰۳.
۶. نوایی، عبدالحسین و ملک زاده، الهام، دانشجویان ایرانی در اروپا: اسناد مربوط به قانون اعزام محصل (از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳)، ۱۳۸۲.
۷. یغمایی، اقبال، (۱۳۷۶)، مدرسه دارالفنون، تهران: سروا.
۸. شیمی، علی اصغر (۱۳۵۱)، «میرزا کاظم محلاتی_بنیان گذار دارو شناس جدید ایران». مجله دارو پزشکی، سال ۱۱، شماره ۱، ص ۶ تا ۱۳.
۹. مریم ثقفی، کوششهای میرزا کاظم محلاتی در بنیانگذاری داروسازس در ایران عهدناصری.

Distinguished professors of Dar al-Funun (case study of Mirza Abdul Ghafar Najm al-Dawlah, Dr. Mohammad Hossein Luqman Adham, Mirza Kazem Mahalati)

Hadi Bagheri

Student of Mathematics Education, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

This research is based on a library, and in it, three prominent Iranian professors of Dar al-Funun school and the services they have provided to the society are introduced. First, the introduction of Mirza Abdul Ghafar Najm al-Dawlah and his works and services, who was one of the greatest Iranian thinkers of his time, and the extraction of the Hijri calendar and the first official census of Iran were among his outstanding activities. Then we introduce Dr. Mohammad Hossein Luqman Adham, one of the skilled physicians of the Qajar period, who made many efforts to eradicate smallpox in his time and founded the foundation of the medical school. We will tell you that they were among the pioneers of chemical science in Iran and they became so skilled in this field that their colleagues called them Lavazieh of Iran.

Keywords: Daralfanon, professors, prominent, census, chemistry, medicine.
